بخش دوم و پایانی

گفت وگو با
دکتر حسن مطیعی
استاد دانشگاه تهران

ورود به بازارهای فرامنطقه‌ای با WTO

روز گذشته نخستین بخش از گفت و گو با دکتر حسن مطیعی درباره روبکرد جهانی به مقوله WTO از منظر خوانندگان گرامی گذشت، اینک بخش دوم و پایانی آن در پی می آید.

*** بیایید بحث را از این زاویه دنبال کنیم که اصلاً چه ضرورتی است که برای گسترش بازارهایمان وارد سازمان تجارت جهانی شویم. مثلاً ما می توانیم، تجربه ورود به بازارهای جهانی را از راههای دیگری مثل پیمانهای منطقه‌ای دنبال کنیم تا از مضرات پیوستن به سازمان تجارت جهانی در امان باشیم. و به روابط مدنی بیشتر توجه کنیم. چون تجربه نشان داده که کشورهای جهان سومی که از این طریق می خواسته اند به توسعه دست پیدا کنند دچار معضلات فراوانی مثل شکاف طبقاتی و بیکاری نیروی کار بسیاری شدند؟**

– عضویت در سازمان تجارت جهانی، یک مزایایی به دنبال دارد که این مزایا صنایع جوان را نیز تحت پوشش قرار می دهد. سازمان تجارت جهانی برای کشورهای درحال توسعه یک امتیازهایی قائل می شود، از سوی دیگر می توانیم برای صادرات کالاهایی که در آنها مزیتهای نسبی داریم از کاهش تعرفه های وارداتی آنها استفاده کنیم.

*** اجازه بدهید یک مثال واضح تر بزنم. اگر ما وارد WTO بشویم باید بسیاری از کالاها را به قیمت جهانی بخریم. مثلاً یک بسته آسپرین می شود ۵ هزار تومان. آیا این در جامعه ما با توجه به وضعیت اقتصادی که داریم یک شوک وارد نمی کند که عواقب آن نیز چندان مشخص نیست؟**

– خب عضویت در سازمان جهانی باعث نمی شود که ما سایر امتیازاتمان را از دست بدهیم.

*** ولی دیگر دولت نمی تواند سوبسید بدهد!**

– ما باید خدمات بیمه ای را فعال تر کنیم و این خودش باعث رقابت بیشتر می شود. ماباید ساز و کارهایی بیندیشم که این موارد در آن اندیشه شود و به سودی که به تمام جامعه می رساند توجه کنیم. زیرا پیوستن به سازمان تجارت جهانی این آمادگی ذهنی را در بین سرمایه گذاران خارجی ایجاد می کند که کشورما کاملاً آمادگی پذیرش تمام اصول حاکم بر تجارت جهانی را دارد و این باعث سرمایه گذاریهای عظیم در کشور می شود. و سرمایه ها را به کشور ما سرازیر می کند که در پی آن اشتغال و در آمدهای جدید ایجاد می شود. ما هم اکنون از نظر عوامل تولید مانند نیروی انسانی، مواد اولیه، زمین و ... مشکلی نداریم و بزرگترین مشکل ما کمبود سرمایه است که باورود سرمایه های جدید می توانیم از منابع خود بهترین استفاده را به عمل آوریم و به کارآیی بهتری برسیم.

***سؤال اساسی این است که آیا در ورود به بازارهای جهانی، دارای قدرت رقابت هستیم که بتوانیم با کاهش تعرفه کالاها مقابله کنیم به بیان دیگر در صورت ورود به بازارهای جهانی بخشهای مختلف اقتصادی ما دستخوش تحولات ناگهانی نمی شوند؟**

– ورود به سازمان تجارت جهانی در هر یک از بخشهای اقتصادی تأثیرات مختلفی خواهد گذاشت. از نظر کشاورزی مشکل چندانی برایمان پیش نخواهد آمد زیرا با توجه به تنوع اقلیمی و زمین، در تولید محصولات کشاورزی از یک موقعیت مناسب برخورداریم و در تولید بسیاری از محصولات کشاورزی در ردیف آن ده کشور اول از نظر کیفیت تولید هستیم. در زمینه مرکبات سر درختی ها، و خشکبار دارای چنین وضعیتی هستیم. البته در این بخش به یک نظام بازرگانی و حمل و نقل پیشرفته نیاز داریم.

از نظر صنعت با مشکلاتی مواجه هستیم و باید در این زمینه برنامه ریزیهایی انجام دهیم ولی برای رونق صنعتی به نفع مان است که وارد WTO شویم و همچنین می توانیم بازارهایی مثل پوشاک را به دست آوریم زیرا ما می توانیم پوشاک را با قیمت ارزان تولید کنیم. برای کفش و صنایع غذایی نیز بازارهای خوبی برایمان به وجود می آید یکی دیگر از مسائلی که به نفع صنایع ما تمام می شود جلوگیری از تک رویهای داخلی این صنایع است. به عقیده من هر ساله باید تعدادی از صنایع ما ورشکسته شوند. اگر در پی توسعه صنعتی هستیم باید این اتفاق رخ بدهد. عدم ورشکستگی صنایع مانع توسعه می شود زیرا صنایعی که در جهت تحقیق، توسعه و افزایش کارآیی و بهره وری گام برندارند و نتوانند به نیاز مصرف کنندگان پاسخ دهند باید ورشکسته شوند.

*** پس تکلیف صنایع کوچک چه می شود، با توجه به اینکه صنایع ما بیشتر حالت کارگاهی دارند آیا این صنایع می توانند به حیات خود ادامه بدهند؟**

– امروز در بیشتر کشورهای آسیای جنوب شرقی، صندوق تضمین صنعتی، برای بهادادن به همین صنایع کوچک تشکیل شده است و به فارغ التحصیلان برتر دانشگاه وام می دهند تا یک کارگاه صنعتی راه بیندازند و به تولید مشغول شوند. امروز در دنیا قطعه سازی مطرح است. یک کارخانه بزرگ اتومبیل سازی از هزار کارخانه کوچک قطعه سازی تشکیل شده است...

*** به همین خاطر است که می گویند «کوچک، زیباست»!**

بله. صنایع کوچک با فکر نو و تلاش مضاعف می توانند وارد بازار کار و موجب توسعه شوند.

از سوی دیگر مابايد جلوی خود کامگی بعضی از صنایع را در داخل کشور بگیریم. خانواده ایرانی تاکی باید هزینه تولید لامپی را بپردازد که تا روشن می کند، می سوزد. تا ابد که خانواده ایرانی نباید تاوان حمایت از صنایع را بپردازد.

مهمترین مشکل ما در پیوستن به سازمان تجارت جهانی بخش خدمات است زیرا خدمات حمل و نقل ما مانند راه آهن و هواپیما و خدمات بیمه ای و بانکی ما به اندازه کافی رشد نکرده اند. ما باید به سمت خصوصی سازی این خدمات گام برداریم تا بتوانیم به رقابت بپردازیم. خدمات بانکی بیمه ای و حمل و نقل باید خصوصی شوند. تا مشکلات ما در این بخش که بیشتر دولتی است کاهش یابد.

*** از دید جغرافیایی موقعیت ایران به گونه ای است که پتانسیل های بسیاری برای رشد اقتصادی در خود نهفته دارد، دسترسی به دریاهای آزاد، پل ارتباطی شرق و غرب و...آیا چنین موقعیت هایی می تواند به عنوان یک مزیت در پیوستن به سازمان تجارت جهانی تلقی شود؟**

– این موقعیت ها باعث می شوند که بهتر بتوانیم از بازارهای منطقه ای و فرامنطقه ای بهره ببریم. راههای آبی و بنادر کشورمان می توانند یک ارتباط مناسب را با سایر کشورها ایجاد کنند و حق ترانزیتی که از این راه نصیب کشور می شود می تواند سود سرشاری را به کشور ما سرازیر کند. حدود ۸۰۰ کیلو متر مرز آبی در شمال و حدود ۱۷۰۰ کیلومتر مرز آبی در جنوب کشور داریم که در تجارت و حمل و نقل مزیت مهمی به حساب می آید. در صورت پیوستن به سازمان تجارت جهانی این قابلیت ها و پتانسیل ها شکوفا می شوند. ۹۰ درصد صنایع زیر زمینی جهان در ایران وجود دارند که باید از این ها بهره وری مناسب صورت گیرد.

*** فکر می کنید پیوستن به سازمان تجارت جهانی چه تأثیری در نظام سکونتگاهی ما خواهد گذاشت و نظام شهر نشینی، روستایی و عشایری ما دستخوش چه تغییراتی خواهد شد؟**

– عمده ترین تغییراتی که رخ می دهد برمبنای کارکردهای اقتصادی خواهد بود. امروزه هر تحولی وابسته به اقتصاد خواهد بود. وقتی پیوستن به سازمان تجارت جهانی بازار گسترده ای در اختیار ما قرار دهد. تولیدات روستاهای ما نیز از این بازار بی بهره نخواهند بود. امروزه بهترین درآمد را در بین کشاورزان زعفرانکارها دارند. زیرا توانسته اند به بازارهای خارجی دست پیدا کنند. پسته کاری و باغداری نیز به همین دلیل در حال توسعه هستند. پس در نهایت می توان گفت وقتی برای روستایی درآمد ایجاد شود دیگر تمایلی برای مهاجرت به شهر نخواهد داشت که خود این امر باعث تثبیت سکونتگاهها در کشور ما می شود.

*** در خوشبینانه ترین حالت گفته می شود پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی ۷ سال زمان می برد. به نظر شما در این مدت چه اقداماتی باید انجام دهیم که آزاد سازی تجاری به آزاد سازی واردات منجر نشود و ما بتوانیم خود را از آسیب های احتمالی این پیوستن دورنگاه داریم؟**

باید در این مدت راهکارهایی بیندیشیم که تجربه کیش تکرار نشود. کیش قرار بود به منطقه ای صادراتی تبدیل شود، اما حالا به یک منطقه واردات تبدیل شده است. مهم ترین کاری که در این مدت باید انجام بدهیم افزایش کیفی و کمی تولیدات داخلی است و هزینه تولید و قیمت تمام شده تولیداتمان را باید پایین بیاوریم و باید نقاط ضعف و قوت تولیدات و خدمات خودمان را شناسایی کنیم و از سوی دیگر باید مطالعه ای وسیع بر روی نظام عرضه و تقاضای جهانی انجام بدهیم. باید رقبای جهانی خود را شناسایی کنیم و به نیازها و سلیقه های مصرف کننده خارجی توجه و به آن آگاهی پیدا کنیم تا تولیداتمان با خواست مصرف کننده خارجی نیز مطابقت کند. زمینه های مدیریتی و نیروی انسانی نیز باید مورد توجه قرار گیرد. ما بهترین زعفران دنیا را تولید می کنیم ولی اگر نظام بازرگانی کارآمد نداشته باشیم تولیدات ما با مشکل مواجه می شوند در نظام تجاری جهانی برای اینکه کالایی بازار جهانی پیدا کند بالا بودن کیفیت فقط کافی نیست بلکه باید از طرف یک سیستم حمل و نقل پیشرفته، سیستم بسته بندی مناسب و ... مورد پشتیبانی قرار گیرد. این ها مواردی هستند که باید آنها را ارزشیابی کنیم و نسبت به آنها آگاهی به دست بیاوریم. در غیر این صورت با مشکل مواجه خواهیم شد.

سپاسگزارم.

معرفی کتاب

راهیان نور

شناسنامه
راهیان نور (آبادان، دزفول، هویزه، خرمشهر، سوسنگرد، اروند، اهواز، شوش، شلمچه، طلائیه، دوکوهه، بستان، دهلاویه، دشت عباس، فکه).
به کوشش خانه ادبیات و تاریخ پایداری
ناشر: صریر
قیمت: کل مجموعه ۱۵ جلدی ۵۲۵۰ تومان، هر جلد ۳۵۰ تومان

هشت سال جنگ و مقاومت، هشت سال خون و شهادت، هشت سال پوی باروت و بهشت. و اکنون ۱۷ سال از آن ایام می گذرد.

ایامی تلخ که شیرینی آن برای آنان که از نزدیک آن را چشیده بودند، فراموش ناشدنی اما در باور آنان که نبودند، جای جیهاد هنوز هم خالی است. خانه ادبیات و تاریخ پایداری برای پر کردن گوشه ای از این باورهای خالی از تخیل جوانمردی رادمردانی که رفتند و یادآوری رشادتها برای باورهایی که زود فراموش می کنند؛ دست به چاپ سلسله کتبی به نام راهیان نور زده است. هر کتاب این مجموعه به یکی از شهرهای مرزی خوزستان که در ایام جنگ تبدیل به نقطه مقاومت مردم شده بود، اختصاص دارد.

نخستین کتاب این مجموعه به شرح وقایع آبادان می پردازد. کتابچه آبادان با یک داستان شروع می شود - داستان دریافلی - و بعد تاریخچه کوتاهی از شهر قدیمی آبادان که قرنها پیش عبادان خوانده می شد. چگونگی تسخیر آبادان به دست نیروهای عراقی، مقاومت نیروهای مردمی و ۳۴۹ روز صبوری برای شکست حصر آبادان مطالبی است که در این کتاب به رشته تحریر کشیده شده است. برای آزادسازی آبادان مردان زیادی جان باختند که یکی از آنان دریافلی بود. مردی که امروزه مجسمه او در میدان اصلی آبادان نسنوه و استوار بر جای خود ایستاده است.

یکی دیگر از شهرهای مقاوم خوزستان که استقامت آن هنوز هم زبانزد است، دزفول شهر هزار موشک است. در کتابچه دزفول از مجموعه راهیان نور آمده است دزفول کلمه ای است مرکب از «دز و پل» مطابق اطلاعات داده شده در این کتاب دزفول در ابتدای قرن چهارم هجری به قصر روناش معروف بوده است. در گذر تاریخ این شهر بارها روی جنگ را به خود دید. حمله امیر تیمور گورکانی یکی از این حملات بود که مردم از این نبرد سربلند بیرون آمدند. ۱۹ مهر ۱۳۵۹ اولین موشک عراقی به شهر دزفول اصابت کرد. یکی از ویژگیهای این شهر در ایام جنگ آن بود که مسؤولان شهر برای حفظ روحیه مردم اقدام به بازسازی سریع مناطق موشک باران شده می کردند، طوری که ممکن بود یک خانه در طول هشت سال دفاع مقدس ۵ یا ۶ بار ویران وسپس بازسازی شود. هویزه، شهر ایثار و شهادت از دیگر شهرهای مرزی خوزستان است که چندی در جنگ عراقی ها بود، اما سرانجام همچون خرمشهر و آبادان آزاد شد. کتاب سوم مجموعه راهیان نور خاطرات روزانه و گاه هفتگی هویزه را از ابتدای جنگ تا زمان آزادسازی این شهر بیان می کند. در این کتاب یک نام بیش از همه به چشم می خورد: حسین علم الهدی؛ جوانی که در ایام نوجوانی سیرک مصری ها را منفجر کرد و ساواک به همین جرم او را دستگیر، زندانی و شکنجه کرد. او در مقابله با نیروهای عراقی پس از رشادت فراوان به شهادت رسید.

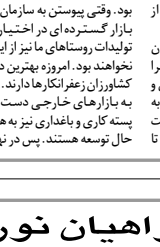

در ایام جنگ نام یک شهر معادل تلخی بسیار چون بادام تلخ و شیرینی خوشایند همچون عسل بود؛ «خرمشهر»، شهری که در میان دریغ و افسوس مأوای عراقی ها شد و پس از ۱۸ ماه اسارت با شادمانی بسیار به روی رزمندگان آغوش گشود. این شهر در طول حیات خود که از قرن سیزدهم و زمان محمدشاه قاجار شروع می شود، بارها اشغال شده بود، اما اشغال آن به دست عراقی ها حکایت دیگری بود. حکایتی که با نام محمد نورانی آمیخته است. مردی که آنقدر نماند تا آزادسازی خرمشهر را ببیند.

بعد از شروع جنگ عراق با ایران، خبر جنگ به سرعت میان شهرهای مرزی پیچید. سوسنگرد یکی از شهرهایی بود که رژیم عراق به آن امید بسته بود. آنان برای رسیدن به مقصود خود نام این شهر را «خفاجیه» گذارده بودند تا شاید مردم آن با اعراب عراق احساس نزدیکی کرده و آنان را برای اشغال شهر یاری کنند. اما سوسنگرد شهری نبود که به آسانی به دست بیاید. کتاب سوسنگرد از مجموعه راهیان نور به وقایع، اسارت ها و آزادسازی های این شهر اشاره دارد.

اروند جنوبی ترین رود ایران است. رودی که در یک سوی آن نخلستان های اروندکنار سایه گسترده اند و در سوی دیگر نخلستان های بصره همه جا را پوشانده اند. این رود در ایام جنگ برای رزمندگان تبدیل به رودی خاطره انگیز شد. رودی که در یک شب سه هزار بسیجی به دل آن زدند تا فاو را از آن خود کنند. کتاب هفتم راهیان نور، «اروند» حکایت این بسیجیان است. اهواز، قلب خوزستان در نخستین روز جنگ طعم آن را چشید. ۳۱ شهریور ۵۹ هواپیماهای عراقی به این شهر حمله کردند و فرودگاه، سیلو، ماکروویو ... را بمباران کردند. ارتش عراق هدف خود را متوجه جبهه جنوب کرده بود و اهواز را به عنوان مرکز استان هدف اصلی اش می دانست. طوری که در برهه ای از زمان موفق شد خود را تا حدود ۱۵ کیلومتری اهواز هم برساند. کتابچه اهواز از روزهای مقاومت، روزهایی که اهواز عقبه بچه های جنگ بود، می گوید.

قدمت شوش، شهر دانیال نبی به اواخر هزاره پنجم پیش از میلاد مسیح بر می گردد. هشتمین کتاب راهیان نور، بعد از ذکر تاریخچه کهن شوش، موقعیت جغرافیایی، هوایی و زندگی این سرزمین از روزهایی سخن می گوید که شهر شوش آماج گلوله های دشمن بود. امروزه این شهر به شهر شهدای گمنام معروف است.

نخل های شلمچه هنوزهم در عزای پیکر خون آلود شهیدانی که در زیر پاهای آنان به ملکوت شتافته بودند، عزادارند. شلمچه اندکی دورتر از خرمشهر محل مقاومت رزمندگان بود. وجب به وجب خاک شلمچه با خون شهیدی آمیخته است. کتابچه شلمچه اختصاص به روزهای جنگ در شلمچه دارد.

سه راهی طلائیه منطقه ای کوچک اما به لحاظ استراتژیک مورد توجه دشمن بود طوری که در یک لحظه چند صد قبضه سلاح منحنی زن از جمله توپ و خمپاره به طور همزمان بر منطقه آتش می ریختند. حفظ این منطقه برای نیروهای خودی نیز اهمیتی بسیار داشت.

لشگر ۲۷ محمد رسول الله، حاج ابراهیم همت، ۲۴ اسفند ۶۲، اینها کلماتی است که به دنبال شنیدن نام دوکوهه در ذهن هر رزمنده ای که در آن سال ها در جبهه حضور داشت، تداعی می شود. لشگر ۲۷ محمدرسول الله در دوکوهه اقامت داشت و فرمانده آن حاج ابراهیم همت بود. کسی که به واسطه خلق و روی نیک خود توجه هر فردی را به خود جلب می کرد. ۲۴ اسفند ۶۲ ترکش گلوله ای آرامش حاج همت را به آرامشی جاودانگی بدل ساخت. کتاب یازدهم راهیان نور از دو کوهه سخن می گوید؛ پادگان دوکوهه.

وقتی شهرستان در آستانه حمله قرار گرفت مردم شهر بادستان خالی به مبارزه برخاستند و با کمک به رزمندگان سعی در دفاع از شهر و میهن خود کردند. اندکی پس ازاین شهر، تنگه چزابه قرار دارد. منطقه ای سوق الجیشی که در آن نبردی سخت درگرفت و رزمندگان بسیاری به شهادت رسیدند. بستان ۱۵ آذر ۶۰ از دست عراقی ها نجات داده شد. مشروح آزادسازی بستان را می توانید در کتاب بستان بخوانید. کتاب بعدی مجموعه راهیان نور درباره دهلاویه است. جایی که مصطفی چمران بر خاک آن آرمید. دهلاویه روستایی کوچک در شمال غربی سوسنگرد در کنار جاده بستان است. روستایی که کمتر کسی آن را می شناخت اما اکنون با نام مصطفی چمران به خود می بالد. دشت عباس در روزگار پیش از جنگ پر از صدای نی چوپانان بود اما جنگ دشت عباس را ویرانه ساخت. در همان ابتدای جنگ پیش از آنکه رزمندگان اسلام آمادگی نبرد داشته باشند دشمن در خاک نفوذ کرد. دشت عباس یکی از مناطق تسخیر شده بود که در کتاب چهاردهم راهیان نور چگونگی آزادسازی دشت عباس شرح داده شده است.

آخرین کتاب مجموعه راهیان نور درباره فکه است. کربلای جبهه های ایران جایی که بسیاری از شهدای آن بر اثر تشنگی مفرط به دیدار یار شتافتند. فکه، سرزمین رمل و شن های روان، یکی از محورهای اصلی تجاوز ارتش عراق به شمال خوزستان بود. فکه سال ها پس از جنگ، شهید دیگری را نیز به روی خود دید. ۲۰ فروردین ۷۲ شهید سیدمرتضی آوینی قدم بر خاک فکه گذارد تا روایت فتح دیگری را بازگو کند اما این بار او بود که روایت یک فتح را رقم می زد.

جناب آقای مهندس مختار قانون
ریاست محترم سازمان صنایع و معادن استان تهران
انتصاب شایسته جنابعالی را بعنوان مدیر نمونه ملی تبریک گفته و برای شما سلامتی و موفقیتهای بیشتر آرزومندیم.
محمدعلی سعادتی - شرکت جابون

مصطفی شجری
دانش آموز ممتاز
دبستان خالق منطقه ۴
کلاس سوم با معدل ۲۰
با تشکر از آموزگار دلسوز خانم شمالی و مدیریت محترم آقای حیدری

تجربه دیروز تصمیم امروز مصلحت فردا
مرکز فروش و انتقال سهم و امتیاز اراضی واگذار شده و آپارتمانهای درحال ساخت تعاونی با سند منگوله دار و بنچاق
آخرین فرصت استثنایی
سعادت آباد - میدان کاج - مجتمع سروستان طبقه ٤ اداری - واحد ٤٠٥ - ساعت ٨ تا ٢٠
۲۲۰۸۰۶۹۵-۲۲۰۸۹۳۹۵-۲۲۱۲۶۴۹۲
زمین: ۱۵۰ متر ۲۰ میلیون، ۳۰۰ متر ۲۵ میلیون، ۴۰۰ متر ۱۰۰ میلیون، ۶۵۹ متر ۱۲۰ میلیون
آپارتمان: ۸۶ متر ۳۱ میلیون، ۱۱۵ متر ۳۴ میلیون، ۱۳۱ متر ۳۸ میلیون، ۱۴۵ متر ۳۸ میلیون

savia
ساویز جایزه می دهد
هرآنچه از ساویزه
صنایع پیشانی وارتباطی ساویز

فروش زمین در رشت
۲۰/۰۰۰ متر مربع زمین با ۱۷۰ متر بر جاده اصلی، محصور با سند مالکیت، ورودی شهرستان رشت از سمت انزلی، مناسب برای نمایندگی مجاز، هتل و کارهای صنعتی
مهندس یونسی ۰۹۱۱۳۵۹۲۷۸

قابل توجه صاحبان صنایع بزرگ
و مدیران مدیریت نفت، گاز، پتروشیمی و دیگر صنایع
کارخانجات پدیده آهن، ستایش شده در کیفیت، امنیت، موفقیت، برتری امکانات و ایزو در تولید سازه های سنگین فلزی و سوله
مدیریت ورژ آرکالیان
۰۹۱۲۱۳۹۹۸۷۴
۰۲۱-۸۸۷۲۶۴۳۰ (۵خط)
ایمیل.padideh_ahan@hotmail.com

IRAN DAILY
88757702-88753115-88733764

وزارت جهاد کشاورزی
سازمان شیلات ایران
نوبت دوم
آگهی مناقصه
سازمان شیلات ایران در نظر دارد یک دوره آزمایش و آموزش رشته قلاب طویل (لانگ لاین) تون ماهیان را به مدت ۲۰ روز در آبهای دریای عمان برگزار کرده و همچنین تعداد ۵۰۰ عدد لاین فرعی کامل و ۸۰ عدد بویه را خریداری نماید.
لذا از متقاضیان درخواست می شود تا حداکثر یک هفته پس از چاپ آگهی، برای دریافت اسناد و شرایط موضوع مناقصه به نشانی تهران، خیابان فاطمی غربی، بین خیابان جمالزاده و کارگر شمالی، شماره ۲۵۰، طبقه دوم، اداره کل ترویج و تکنولوژی صید (تلفن: ۶۶۹۴۳۹۵۴) مراجعه نمایند.
روابط عمومی شیلات ایران
۳۸۰۵ ۹/۷۸